

## مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام بر پایه تفسیر تطبیقی آیه اهل الذکر<sup>۱</sup>

محمدعلی رضایی اصفهانی\*

داراب نبی‌زاده\*\*

### چکیده

آیه ۴۳ سوره نحل درباره مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. مفسران شیعه و اهل تسنن درباره مصداق «اهل ذکر» اختلاف نظر دارند. گروهی از مفسران اهل تسنن بر پایه سیاق آیه، مصداق اهل ذکر را اهل کتاب می‌دانند. این دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است. مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل تسنن بر اساس روایات، مصداق کامل اهل ذکر را اهل بیت علیهم السلام می‌دانند. این نوشتار بر آن است تا بر پایه مفهوم‌شناسی اهل ذکر و با توجه به شأن نزول آیه و با استناد به روایات این موضوع را تحلیل و بررسی نماید. نتیجه پژوهش آن است که اهل ذکر به معنای عالمان و آگاهان است. در زمان نزول آیه، اهل کتاب و دیگر افراد آگاه می‌توانند یکی از مصداق اهل ذکر باشند؛ ولی اهل بیت علیهم السلام برای همیشه مصداق کامل اهل ذکر هستند.

### واژگان کلیدی

آیه ۴۲ نحل، تفسیر کلامی، مرجعیت علمی، اهل ذکر، اهل بیت علیهم السلام، اهل کتاب.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول است.

rezaee.quran@gmail.com

\*. استاد گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه.

\*\* عضو هیئت علمی، گروه معارف اسلامی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول).

d\_nabizadeh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۶

## بیان مسئله

مرجعیت علمی و دینی یکی از نیازهای ضروری مسلمانان پس از رسول خدا ﷺ بوده است. این جایگاه همواره از مسائل مورد اختلاف میان فرق اسلامی به‌شمار می‌رود. از نگاه قرآن کریم چه کسی و یا چه کسانی پس از پیامبر ﷺ مرجع علمی مسلمانان هستند؟ آیا قرآن کریم به این مسئله اشاره فرموده است؟

مفسران شیعه بر پایه آیات و روایات، معتقدند اهل بیت ﷺ مرجع علمی مسلمانان پس از پیامبر ﷺ هستند. از نظر مفسران شیعه مصداق آشکار و اکمل «اهل ذکر» اهل بیت ﷺ است. اهل بیت دارای مقام عصمت (احزاب / ۳۳)، راسخان در علم (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۱۲) حجت خدا (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷ / ۱۴۰) خزان علم الهی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۱۲) هستند. پیامبر خاتم ﷺ در حدیث معروف ثقلین، اهل بیت ﷺ را همتای قرآن معرفی نموده و تمسک به آنان را عامل نجات از گمراهی می‌داند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۵) از این رو مفسران شیعه معتقدند که اهل بیت ﷺ تنها مرجع علمی مسلمانان بعد از رسول خدا ﷺ هستند.

از جمله دلایل قرآنی مفسران شیعه آیه ۴۳ سوره نحل است که این حقیقت را بیان می‌کند. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل / ۴۳)؛ ما پیش از تو کسی را به رسالت نفرستادیم جز مردانی که به آنان وحی کردیم پس از اهل ذکر برسید اگر نمی‌دانید». با توجه به مطالب فوق شناخت مصادیق اهل ذکر برای یک مسلمان از ضروریات است؛ زیرا مردم مسلمان باید برای شناخت صحیح معارف دین، به مصداق واقعی اهل ذکر مراجعه کنند در غیر این صورت گمراه شده و اهل نجات نخواهند بود. این پژوهش بر آن است تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به بررسی دلایل و نظرات مفسران شیعه و اهل تسنن درباره آیه ۴۳ سوره نحل پرداخته و با استمداد از مفهوم‌شناسی آیه و همچنین روایات موجود در منابع فریقین، مصداق اهل ذکر در این آیه را مشخص نماید. مفسران هر دو فرقه به مناسبت تفسیر آیه فوق، درباره «اهل الذکر» اظهار نظر کرده‌اند. افزون بر متون تفسیری، مقالاتی نیز در باره این موضوع نگاشته شده، که عبارت‌اند از:

۱. «نقد و بررسی دیدگاه فریقین درباره اهل ذکر»، محمد یعقوب بشوی، در: *مجله طلوع*، ش ۷، ۱۳۸۲؛
۲. «نقد مقاله بررسی دیدگاه فریقین درباره اهل ذکر»، سید محمدجعفر نوری، در: *مجله طلوع*، ش ۸ و ۹، ۱۳۸۳؛

۳. «تأملی بر دو نقد پیرامون دیدگاه فریقین درباره اهل ذکر»، احمد قدسی، در: *مجله طلوع*،

ش ۱۰ و ۱۱، ۱۳۸۳؛

۴. «بررسی تفسیر آیات اهل ذکر در منابع تفسیری»، مصطفی جعفرطیاری و شهلا نوری در

پژوهشنامه امامیه، شماره ۲، ۱۳۹۴.

نویسنده مقاله چهارم درباره سه مقاله اول می‌نویسد: شایان ذکر است که مقالات یادشده نیز نتوانسته است، به‌طور جامع و کامل، مسئله را حل کند؛ زیرا در این مقاله‌ها، یا اهل ذکر منحصر در اهل بیت شده و مورد نزول آیه که اهل ذکر را، اهل کتاب می‌داند، نادیده گرفته شده، یا به مورد نزول توجه شده و از باب جری و تطبیق مسئله حل شده ولی از روایات غفلت شده است و یا اینکه با توجه تاویل و بطن آیات مسئله ارزیابی شده است. (جعفرطیاری و نوری، ۱۳۹۴: ۲۵)

دراین نوشتار بیان خواهد شد که مورد نزول اختصاص به اهل کتاب ندارد (مقاله چهارم) و آیه کریمه موردبحث مورد نزول را اعم از اهل کتاب می‌داند.

#### مقدمه

مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام یعنی اینکه اهل بیت علیهم السلام مفسران قرآن و بیان‌کنندگان احکام الهی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. آنان نقش رهبری فکری و اخلاقی مسلمانان را به عهده دارند. این نقش و جایگاه به دلیل برخورداری اهل بیت علیهم السلام از علم لدنی است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۲) هیچ‌کس در این خصوص با اهل بیت علیهم السلام قابل مقایسه نیست. (شهیدی، ۱۳۷۴: ۹) مردم مسلمان وظیفه دارند جهت فهم آیات الهی و شناخت احکام دین به اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنند؛ زیرا آنان مفسران قرآن، حجت خدا و خزائن علم الهی هستند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۲) این نوشتار قصد دارد تا بر پایه تفسیر آیه «اهل ذکر» به این نتیجه برسد که «اهل ذکر» به معنای عالمان و آگاهان است و مصداق آشکار و کامل آن اهل بیت علیهم السلام هستند در نتیجه اهل بیت علیهم السلام مرجع علمی مسلمانان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می‌روند.

#### شأن نزول آیه اهل ذکر

امین الاسلام طبرسی می‌فرماید:

این آیه در پاسخ به مشرکان مکه است که منکر رسالت بشر بودند، لذا خدای متعال به آنان اعلام می‌کند که رسول باید از جنس خود مردم باشد، تا مردم او را ببینند و

با او گفتگو کنند و سخنش را درک کنند. صحیح نیست که فرشته‌ای به‌عنوان رسول، مأمور سالت گردد. (طبرسی، بی تا: ۶ / ۵۵۷)

در شأن نزول آیات اهل‌الذکر نیز آمده است که چون مشرکان چنین می‌پنداشتند که فرستاده خداوند فقط باید فرشته باشد، با نزول آیات مذکور این پندار باطل گردیده است. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۴۲)

مشرکان می‌گفتند: چرا خداوند فرشته‌ای را برای ابلاغ رسالت نازل نکرده است؟ خداوند در پاسخ آنها می‌فرماید: «ما پیش از تو نیز رسولانی فرستادیم و این رسولان جز مردانی که وحی به آنها فرستاده می‌شد، نبودند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱ / ۲۴۱)

علامه جوادی آملی در این باره می‌نویسد:

این آیه در فضایی نازل شد که مشرکان حجاز هم درباره محتوای دعوت انبیا و هم درباره ادعای نبوت آنها، شبهه داشتند. مشرکان مدعی بودند که خدا از بت‌پرستی آنها آگاه است، اگر می‌خواست مانع آنها می‌شد. حال که مانع نشده، پس کار آنان مورد پسند خدا است. پس شرک حق است و دعوت پیامبران به توحید، باطل است. خدای متعال به آنان پاسخ می‌دهد که این سخن خلط میان اراده تکوینی و تشریحی است. خدا می‌تواند با قهر آنان را موحد نماید ولی این روش با سنت اختیار سازگار نیست. لذا از نظر تشریحی، پیامبران را فرستاد تا بشر را از شرک باز دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۴ / ۱۹۸)

طبری از ابن عباس نقل می‌کند، زمانی که خدای متعال، پیامبر ﷺ را به رسالت مبعوث کرد عرب‌ها، آن را انکار کردند و گفتند: خدا بزرگتر از آن است که بشری مانند خود ما را به پیامبری مبعوث کند. خدای متعال در ردّ انکار آنان، این آیه را نازل فرمود. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۷۵)

فخر رازی می‌نویسد: یکی از شبهات منکران نبوت این بود که می‌گفتند خدای متعال برتر از آن است که پیامبرش از جنس بشر باشد. اگر او می‌خواست پیامبری مبعوث کند حتماً فرشته‌ای را می‌فرستاد؛ زیرا علم، قدرت، صلابت و دیگر توانمندی‌های فرشته به‌مراتب برتر از بشر است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲ / ۲۱۰)

زمخشری درباره شأن نزول آیه مورد بحث می‌نویسد: «قریش می‌گفتند که خدای متعال برتر از آن است که بشری را به‌عنوان رسول برگزیند، لذا آیه فوق نازل شد.» فخر رازی نیز همین شأن نزول را برای این آیه ذکر می‌کند. (زمخشری، بی تا: ۲ / ۶۰۷)

ابن‌عاشور در این باره می‌نویسد:

مشرکان نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار می‌کردند، لذا قرآن کریم توهمات باطل آنان را مردود نمود. با توجه به اینکه مشرکان منکر نبوت پیامبران گذشته مثل نوح و ابراهیم نبودند، لذا خدای متعال با مقایسه پیامبر صلی الله علیه و آله با پیامبران گذشته، شبهه آنان را جواب داد و باطل نمود. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۱۲۸)

واحدی درباره شأن نزول آیه می‌نویسد: «این آیه درباره مشرکان مکه و منکران پیامبری محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است». (واحدی، ۱۴۱۱: ۳۵۱)

مفسران هر دو فرقه در بیان شأن نزول آیه، سخن از قریش و مشرکان مکه به میان آوردند. معلوم می‌شود که این آیه شریفه در مکه نازل شده است. این آیه با کمی تفاوت در سوره انبیا نیز تکرار شده است. (انبیاء / ۷) سوره انبیا نیز مکی است. (طبرسی، بی‌تا: ۷ / ۱۱۲) نتیجه اینکه این آیه مبارکه در مکه در پاسخ به مشرکان و منکران نبوت و همه کسانی که پرسش از معارف دینی دارند، نازل شده است.

### مفهوم‌شناسی

در اینجا به بررسی واژه‌های «اهل» و «ذکر» پرداخته می‌شود:

#### ۱. واژه «اهل»

«اهل» در لغت به معنای همسر است. اهل رجل همسر وی است. نزدیک‌ترین افراد او هستند. اهل بیت، ساکن آن را گویند و اهل الاسلام، کسانی را گویند که به دین اسلام پایبندی دارند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۸۹)

راغب اصفهانی می‌نویسد:

«اهل» به معنای افرادی هستند که به وسیله عاملی مثل نسب یا دین یا خانه و شهر و یا بنایی گرد هم جمع شده‌اند. اهل الرجل در واقع کسانی هستند که در یک خانه و مسکن با هم زندگی می‌کنند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۶)

مصطفوی پس از نقل اقوال لغت‌شناسان درباره کلمه اهل می‌نویسد: معنای حقیقی این کلمه انس همراه با تعلق خاطر و دلبستگی و وابستگی است. این معنا از جهت وسعت داشتن و محدود بودن، دارای مراتب است. زن، فرزندان، نوه‌ها، دامادها، همگی اهل محسوب می‌شوند. هرچه شدت این تعلق بیشتر گردد، عنوان اهل بودن قوی‌تر می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱ / ۱۸۳)

اهل در صورتی استعمال می‌شود که میان یک عده افراد، پیوند جامعی بوده باشد: مثل پدر، شهر، کتاب، علم و غیره و میان جامع و آن افراد انسی و القتی لازم است و کلمه اهل به آن جامع اضافه می‌شود، مثل اهل کتاب. «اهلی» در مقابل وحشی است که به معنای کنار و ناآشناست. قرآن کریم آنان را که با پیغمبری هم عقیده باشند و به او ایمان آورند اهل او و ذریه او می‌داند و کسانی را که فرزند نسبی وی باشند در صورت ایمان نیاوردن از اهل او بیرون می‌داند، درباره حضرت نوح آمده که: نوح بعد از طوفان و غرق شدن پسرش، گفت: «رَبِّ اِنَّ اِبْنِي مِنْ اَهْلِي وَاِنَّ وَعْدَكَ لَحَقُّ؛ (هود / ۴۵) خدایا پسر من اهل من است و وعده تو حق است» وعده داده بودی که اهل مرا از غرق نجات دهی پس چرا پسر من غرق شد؟ خدا در جواب فرمود: «اِنَّهُ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ» (هود / ۴۶) یعنی او حتماً از اهل تو نیست. (قرشی، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۳۶)

با توجه به توضیح‌های لغت‌دانان، می‌توان گفت، کلمه «اهل» به معنای پیوند و ارتباط و همبستگی است. این پیوند معمولاً میان دو انسان یا انسان با موجود دیگری محقق می‌گردد. به همین دلیل حیوانی را که با انسان ارتباط و انس دارد، حیوان اهلی می‌گویند و حیوانی را که این نوع ارتباط را ندارد، وحشی می‌نامند. عامل پیوند می‌تواند، دین، قبیله، شهر، خانواده و ... باشد.

## ۲. واژه «ذکر»

لغت‌دانان «ذکر» را به معنای حفظ شیء معنا می‌کنند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۳۴۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۰۸) راغب اصفهانی در خصوص کلمه «ذکر» می‌نویسد: گاهی مراد از «ذکر» هیئت نفسانی است که شخص به وسیله آن می‌تواند، اطلاعاتی و دانش‌هایی به دست آورده و آنها را حفظ و نگهداری نماید؛ یعنی «ذکر» و حفظ هم‌سان هستند، با این تفاوت که حفظ صرفاً نگاه‌داشتن است ولی ذکر حاضر نمودن معنا در ذهن است. گاه حضور شیء در قلب یا زبان را ذکر گویند. «فَسْتَلُوا اَهْلَ الذُّكْرِ» (انبیاء / ۷) یعنی کتاب‌های دینی گذشته. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۸) حسن مصطفوی در این باره می‌نویسد:

تذکر در مقابل غفلت و نسیان است. تذکر اعم از تذکر قلبی و زبانی است. ذکر زبانی مانند «اذکرنی عند ربک» و ذکر قلبی مانند: «فاذکرونی اذکرکم» گاهی کلمه ذکر برای ابزار ذکر به کار می‌رود. مثل اینکه «ذکر» وجود خارجی دارد مانند: «ما هو الا ذکر للعالمین». (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳ / ۳۴۲)

با توجه به توضیح‌های بیان‌شده، می‌توان گفت «اهل‌الذکر» یعنی افرادی که به وسیله عامل

«ذکر» گردهم جمع شده‌اند. ذکر وجه مشترک و عامل پیوستگی آنهاست. ذکر به معنای اطلاعات و دانش‌هایی است که صاحب آن نسبت به آن حضور ذهن دارد و از وجود آن غافل نیست. اصل معنای ذکر، حضور قلب است. اگر به لفظ هم ذکر گفته می‌شود به دلیل این است که ذکر لفظی حاصل و نتیجه ذکر قلبی است.

ذکر در قرآن برای معانی مختلفی به کار رفته است. با بررسی آیات ویژه ذکر، معانی مختلفی برای آن یافت می‌شود که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

۱. ذکر به معنای حکم (اعراف / ۶۳)؛
۲. ذکر به معنای «قرآن» (حجر / ۹)؛
۳. ذکر به معنای یاد (فرقان / ۱۸)؛
۴. همچنین در آیه ۲۵ سوره قمر ذکر به معنای «وحی» (قمر / ۲۵)؛
۵. ذکر به معنای «رسول» (طلاق / ۱۲)؛
۶. ذکر به معنای «پند و نصیحت» (شعرا / ۵)؛
۷. ذکر به معنای «سخن» (انبیاء / ۲۴)؛
۸. ذکر به معنای ابزار ذکر، مثل اینکه «ذکر» وجود خارجی دارد (قلم / ۵۲)؛
۹. ذکر به معنای «تورات» (انبیاء / ۱۰۵).

با توجه به معانی بیان شده، واژه ذکر در آیه محل بحث به معنای علم و آگاهی است. در تفسیر کاشف نیز آمده است که منظور از «اهل ذکر» دانشمندان منصف هستند. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴ / ۵۱۷)

#### مصدق «اهل ذکر» از منظر مفسران شیعه

پس از بیان مفهوم «اهل» و «ذکر» به بیان مصداق آن از نگاه مفسران شیعه پرداخته می‌شود. امین‌الاسلام طبرسی می‌نویسد:

مقصود از «اهل الذکر» کسانی هستند که به تاریخ گذشتگان آگاهی دارند. بنابراین «اهل الذکر» یعنی اهل علم، بدیهی است که ذکر یعنی متذکر بودن و ضد سهو است و هر علمی از تذکر و یادآوری حاصل می‌شود. از این لحاظ جایز است که ذکر یعنی سبب به جای مسبب (علم) به کار رود. این قول رمانی، زجاج و ازهری است. ابن عباس و مجاهد گفته‌اند، منظور «اهل کتاب» است. یعنی اگر نمی‌دانید از اهل تورات و انجیل سؤال کنید، این خطاب به مشرکان است. ابن زید گفته است، منظور اهل قرآن

است؛ زیرا ذکر یعنی قرآن، قریب به همین مضمون را، جابر و محمد بن مسلم از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> روایت کرده‌اند که فرمود: «اهل ذکر ما هستیم» از نظر ایشان مشرکان مکه، مخاطب آیه هستند که نبوت رسول خدا را منکر بودند. (طبرسی، بی تا: ۶ / ۵۵۷)

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

آیه شریفه به یک اصل عقلایی و حکم عقلی اشاره می‌کند و آن هم رجوع جاهل در هر فنی به عالم آن فن است. این یک دستور تعبدی نیست و امر آن هم مولوی نیست که بخواهد بدون ملاک عقلی به جاهل دستور مراجعه به عالم بدهد. (طباطبایی، بی تا: ۱۲ / ۲۵۹)

علامه طباطبایی معتقد است در این آیه، خطاب را باید عموم گرفت تا افراد راه خود را شناخته و اطاعت کنند. افراد جاهل مانند مشرکان، به اهل علم مراجعه نموده از ایشان بپرسند و اما آگاهان به این معنا مانند خود پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> که دیگر بی‌نیاز از سؤال هستند، بنابراین مخاطبان آیه پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> و عموم مردم هستند. (طباطبایی، بی تا: ۱۲ / ۲۵۷)

علامه طباطبایی در بحث روایی به نقل احادیث از **الكافی** و تفاسیر روایی پرداخته و روایاتی را از این منابع نقل می‌کند که بیان می‌دارد، منظور از «اهل الذکر» اهل بیت هستند؛ به‌عنوان نمونه می‌نویسد:

در تفسیر عیاشی از محمد بن مسلم از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> روایت کرده که گفت: به امام عرض کردم مردمی که نزد ما هستند، فکر می‌کنند که مقصود از اهل ذکر در آیه «فستلوا اهل الذکر» یهود و نصارا هستند. حضرت فرمود: اگر آنان باشند، ایشان شما را به دین خود می‌خوانند و هرگز حق مطلب را که حقانیت اسلام است را به شما نمی‌گویند. (همان، ۲۸۴)

آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌نویسد:

ذکر به معنای آگاهی و اطلاع است و اهل ذکر مفهوم وسیعی دارد که همه آگاهان و اهل اطلاع را در زمینه‌های مختلف شامل می‌شود و اگر بسیاری از مفسران اهل ذکر را در اینجا به معنای علمای اهل کتاب تفسیر کرده‌اند نه به این معنا است که اهل ذکر مفهوم محدودی داشته باشد، بلکه در واقع از قبیل تطبیق کلی بر مصداق است؛ زیرا سؤال درباره پیامبران و رسولان پیشین و اینکه آنها مردانی از جنس بشر با برنامه‌های تبلیغی و اجرایی بودند، قاعدتاً می‌بایست از دانشمندان اهل کتاب و



علمای یهود و نصارا سوال شود، درست است که آنها با مشرکان در تمام جهات هم عقیده نبودند، ولی همگی در این جهت که با اسلام مخالفت داشتند، هماهنگ بودند، بنابراین علمای اهل کتاب برای بیان حال پیامبران پیشین منبع خوبی برای مشرکان محسوب می‌شدند. از نظر ایشان مخاطب آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱ / ۲۴۲)

علامه جوادی آملی در این باره می‌نویسد:

مصدق روشن «اهل الذکر» در این آیه دانشمندان اهل کتاب به‌ویژه علمای یهود مدینه هستند که مشرکان با آنان ارتباط داشتند، ولی اطلاق آیه، همه آگاهان به‌ویژه امامان معصوم علیهم السلام را فرا می‌گیرد، چنان‌که روایات نیز با قطع نظر از خصوصیت مورد، و به شکل اولویت «اهل الذکر» را بر آنان تطبیق داده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۴ / ۱۹۹)

با توجه به شأن نزول آیه و همچنین قرینه تناسب حکم و موضوع و سؤال و جواب، واژه ذکر در آیه محل بحث می‌تواند به معنای علم و آگاهی باشد. چون فرض بر این است که مشرکان ناآگاه مکه می‌بایست سؤال‌هایی را درباره ویژگی‌های انبیای سلف مطرح سازند. بنابراین «اهل الذکر» یعنی عالمان و اندیشمندان، کسانی که در یک رشته خاص تخصص دارند و جانب انصاف را رعایت می‌کنند. با توجه به اینکه دستور آیه منحصر در عصر بعثت نیست، قطعاً «اهل کتاب» مصداق معین «اهل الذکر» نخواهند بود. روایت نیز اهل کتاب را به‌عنوان «اهل الذکر» رد می‌کند. خدای متعال نیز، مشرکان را به اهل کتاب، ارجاع نمی‌دهد؛ زیرا اهل کتاب سخنی نمی‌گویند که به نفع نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله تمام شود. به‌خصوص اینکه خدای متعال آنان را به تحریف و کتمان توصیف نموده است. «یحرفون الکلم عن مواضعه» (نساء / ۴). با عنایت به این مطلب منظور از «اهل ذکر» به هنگام نزول آیه همه افراد آگاه به تاریخ و سرگذشت پیامبران گذشته است که شامل افراد غیر اهل کتاب نیز می‌شود. با توجه به اینکه اهل بیت علیهم السلام عالم به همه احکام و قرآن هستند و اهل ذکر هم به معنای عالمان و اندیشمندان است و روایات نیز مصداق «اهل الذکر» را اهل بیت علیهم السلام می‌داند، بنابراین پس از عصر نزول آیه و با حضور اهل بیت علیهم السلام بدیهی است که تنها مصداق آشکار و اکمل «اهل الذکر» اهل بیت علیهم السلام هستند. البته به هنگام نزول آیه مراجعه به اهل بیت علیهم السلام از طرف مشرکان صورت نمی‌گیرد؛ زیرا وقتی سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول ندارند، بدیهی است که سخن اهل بیت علیهم السلام را نیز قبول نداشته باشند.

## مصدق «اهل الذکر» از منظر مفسران اهل تسنن

پس از بیان مصادیق اهل ذکر از نگاه مفسران شیعه به بیان مصادیق آن از نگاه مفسران اهل تسنن پرداخته می‌شود.

ابن عطیه معتقد است که اهل ذکر، یهود هستند. البته یهودیانی که مسلمان شده‌اند. سپس از قول ابن جبیر و ابن زید نقل می‌کند که گفته‌اند، منظور از اهل ذکر، اهل قرآن هستند. برخی نیز گفته‌اند، منظور از اهل ذکر، یهودیانی هستند که مسلمان نشده‌اند. (ابن عطیه، بی تا: ۳ / ۳۹۶) فخر رازی درباره آیه مورد بحث می‌نویسد:

شبهه کفار مکه این بود که می‌گفتند: خدای متعال، بالاتر از آن است که یکی از افراد بشر را به‌عنوان رسول، مبعوث نماید. خدای متعال اگر می‌خواست رسولی به سوی بشر، بفرستد، یکی از فرشتگان را می‌فرستاد. «وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ» (انعام / ۸) خدای متعال با این آیه شریفه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِي إِلَيْهِمْ» در واقع پاسخ آنان را می‌دهد؛ یعنی سنت خدا از اول آفرینش و بیان تکلیف این بوده که همیشه یکی از افراد بشر را به‌عنوان رسول خود برای هدایت بشر، مبعوث می‌نموده است. البته این ایراد و اشکال را امت‌های گذشته نیز بیان نموده‌اند.

ایشان در ادامه بیان می‌کند که درباره «اهل الذکر» چهار قول وجود دارد:

یکم: منظور اهل تورات هستند. این قول ابن عباس است.

دوم: منظور اهل کتاب هستند. این قول زجاج است.

سوم: منظور کسانی است که اخبار گذشتگان را می‌دانند.

چهارم: منظور اهل علم و تحقیق هستند. این قول دیگر زجاج است.

کفار مکه معتقد بودند که یهود و نصارا دارای کتاب هستند و علم و آگاهی دارند، لذا خدای متعال به آنان امر می‌کند که برای به‌دست آوردن پاسخ شبهه، به یهود و نصارا مراجعه کنند. (رازی، ۱۴۲۰: ۲ / ۲۱۱)

با توجه به توضیح‌های بیان‌شده، فخر رازی معتقد است که منظور از «اهل الذکر»، یهود و نصارا هستند. البته مراجعه به یهود و نصارا به دلیل علم و آگاهی در این مورد است. کفار مکه نیز به علم و آگاهی آنان، اعتقاد داشتند. از نظر وی، مخاطبان آیه منکران نبوت هستند.

این کثیر در این باره می‌نویسد:

منظور از «اهل الذکر» اهل کتاب است؛ یعنی از آنان بپرسید که پیامبران، از

افراد بشر بودند یا از فرشتگان الهی؟ اگر از فرشتگان بودند که منکر شوید ولی اگر از افراد بشر بودند، منکر رسالت محمد صلی الله علیه و آله نشوید. از مجاهد و از ابن عباس نقل شده که مراد از اهل ذکر، اهل کتاب هستند. عبدالرحمن بن زید گفته است، منظور از «ذکر» قرآن است به دلیل آیه «إِنَّا نَحْنُ نُزَلُّنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر / ۹) البته این سخن صحیح است ولی در اینجا، معنا ندارد؛ زیرا مخالفان رسالت، جهت پاسخ شبهه به قرآن مراجعه نمی‌کنند، اما سخن ابوجعفر باقر علیه السلام که گفته است: «ما اهل ذکر هستیم»، منظورش این است که این امت اهل ذکر هستند و این قول صحیحی است؛ زیرا این امت از بقیه امت‌ها، آگاه‌تر و داناتر است. دانشمندان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله از بهترین و برترین دانشمندان هستند، هنگامی که بر سنت واقعی قرار داشته باشند، مانند علی و ابن عباس و دو فرزند علی؛ یعنی حسن و حسین و محمد بن حنیفه، علی بن الحسین زین العابدین و علی بن عبدالله بن عباس، و ابوجعفر باقر و فرزندش جعفر و افرادی مانند آنان که متمسک به حبل محکم الهی هستند و در صراط مستقیم گام برمی‌دارند. (ابن کثیر، بی تا: ۴ / ۴۹۲)

از نظر ایشان مخاطب آیه عربها هستند. (ابن کثیر، بی تا: ۴ / ۴۹۲)

آلوسی معتقد است که منظور از اهل ذکر، یهود و نصارا است. این قول ابن عباس، حسن و سدی است. گروهی گفته‌اند، منظور اهل قرآن است. این قول ضعیف است. برخی امامیه گفته‌اند، اهل ذکر، «اهل بیت» هستند. این قول بر پایه روایتی است که جابر و محمد بن مسلم از ابوجعفر (رضی الله عنه) نقل کرده‌اند و قال نحن اهل الذکر. برخی گفته‌اند منظور، پیامبر صلی الله علیه و آله است. البته با توجه به اینکه اهل بیت، در صداقت بالاتر از پیامبر صلی الله علیه و آله نیستند، قطعاً کفار با سخن آنان قانع نمی‌شوند. برخی گفته‌اند، منظور افرادی هستند که به اخبار گذشتگان علم و آگاهی دارند. (آلوسی، بی تا: ۷ / ۳۸۶) از نظر وی مخاطبان آیه قریش است. (آلوسی، بی تا: ۷ / ۳۸۶)

ابن عاشور در این باره می‌نویسد:

این آیه برای ابطال شبهه مشرکان است که معتقد بودند، بشر نمی‌تواند به‌عنوان سفیر خدای متعال باشد. لذا در این آیه مقایسه می‌کند رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را با رسالت نوح و ابراهیم که مورد قبول قریش بودند. مشرکان می‌گفتند «بعث الله بشر ارسولا» (اسراء / ۹۴). سپس برای مشرکان شواهدی از امت‌های گذشته می‌آورد و می‌فرماید: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون»؛ یعنی پیامبر امت‌های گذشته مثل یهود و نصارا و صابئین نیز از افراد بشر بودند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۱۲۸)

از نظر وی مخاطبان آیه مشرکان مکه هستند. (همان)

این اقوال مختلف را می‌توان در چهار قول خلاصه و بررسی کرد: اهل قرآن، اهل بیت علیهم‌السلام، اهل کتاب و عالمان و دانشمندان.

۱. مفسران اهل تسنن بر پایه اساس سیاق آیه و روایاتی که از ابن عباس نقل شده، این اقوال را بیان کرده‌اند. البته اکثر قریب به اتفاق آنان معتقدند که منظور از «اهل الذکر» اهل کتاب هستند. مبدأ این قول سیاق آیه است. کسانی که «بالیینات و الزبر» را متعلق به «ارسلنا» یا «نوحی» گرفته‌اند، نتیجه می‌گیرند که سیاق آیه دلالت بر این دارد که «اهل الذکر» همان اهل کتاب هستند.

۲. در مقابل روایات مصادیق مختلفی را برای «اهل الذکر» معرفی می‌کند. ابن کثیر سخن امام باقر علیه‌السلام را که فرمود: «ما اهل ذکر هستیم» را به امت معنا کرد، ولی معیار اهل ذکر را برتری در علم و آگاهی بیان کرد. سخن ابن کثیر هماهنگ با قاعده عقلایی «لزوم رجوع جاهل به عالم» است.

۳. اگر نظر مفسران اهل تسنن را بپذیریم که منظور از «اهل الذکر» همان اهل کتاب است، نهایت امر این است که اهل کتاب یکی از مصادیق آغازین اهل ذکر هستند. شامل موارد دیگر و زمان‌های دیگر نمی‌شود؛ زیرا مخاطب آیه مشرکانند نه مسلمانان و بعد از اینکه به آنها ثابت شد که انسان هم می‌تواند، پیامبر شود با توجه به اینکه اخبار پیامبر در کتاب‌های یهود و نصارا هست، دیگر دلیلی برای ارجاع به آنها وجود ندارد.

بسیاری از مفسران قرآن بر آن هستند که مقصود از «اهل ذکر» در این آیه، دانشمندان یهود و مسیحیت‌اند؛ چراکه آیه از مشرکان می‌خواهد که اگر در مورد بشر بودن پیامبران قبلی تردید دارید، به دانشمندان اهل کتاب مراجعه کنید. آنان منبع خوبی برای مشرکان به‌شمار می‌آمدند؛ چون هم در مخالفت با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مشرکان هم‌عقیده بودند و هم افراد مطلعی بودند. البته این تفسیر نوعی بیان مصداق آیه در زمان نزول آن است و گرنه مفهوم آیه عام است و شامل همه متخصصان و آگاهان در هر عصر می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۲۵۳)

۴. قرآن کریم با حکم به رجوع مشرکان به اهل علم و آگاهان در یک مورد خاص، آنان را به اصل عام عقلایی ارشاد فرموده است. اگر مشرکان به اهل کتاب هم، مراجعه کرده‌اند به دلیل علم و آگاهی آنان درباره پیامبران گذشته بوده است. پس ویژگی اساسی «اهل الذکر» علم و آگاهی است.

۵. با توجه به اینکه اهل بیت علیهم‌السلام دارای علم لدنی هستند و از جایگاه علمی بی‌نظیر برخوردارند - که پیشتر به‌طور مفصل بیان شد - لذا مراجعه به اهل بیت علیهم‌السلام در همه زمان‌ها و درباره همه مباحث دینی ضروری و لازم است. در حقیقت تنزیل آیه مربوط به مراجعه مشرکان به اهل علم و دانش

درباره یک پرسش خاص است، ولی تأویل آیه درباره مراجعه اهل بیت علیهم‌السلام پس از عصر نزول آیه کریمه برای همیشه و درباره همه مسایل دینی است. بنابراین مراجعه مشرکان به امام علی علیه‌السلام در زمان نزول آیه بی‌معناست؛ زیرا مشرکان حرف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را قبول ندارند، چگونه خدای متعال آنان را به امام علی علیه‌السلام ارجاع می‌دهد؟

۶. روایتی که از امام باقر علیه‌السلام نیز بیان شد، به این حقیقت اشاره می‌نماید که اهل ذکر در این زمان و همه زمان‌ها ما اهل بیت هستیم. شأن نزول آیه، مراجعه مشرکان به اهل علم و آگاهان را مقید و مشروط به یک سؤال خاص نموده، ولی مراجعه به اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل اینکه دارای مقام عصمت هستند، بدون قید و شرط است. در تفسیر نمونه نیز درباره روایت امام رضا علیه‌السلام که فرمود «اگر ما به علمای یهود و نصارا مراجعه کنیم مسلماً ما را به مذهب خود دعوت می‌کنند» آمده است: امام این سخن را به کسانی می‌گوید که آیه را منحصرأ به معنای مراجعه به علمای اهل کتاب در هر عصر و زمان تفسیر کرده بودند، در حالی که مسلماً چنین نیست. در عصر و زمانی همچون عصر و زمان امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام هرگز مردم نیاز نداشتند که برای درک حقایق به علمای یهود و نصارا مراجعه کنند. در این‌گونه اعصار، مرجع دینی مردم، علمای اسلام بودند که در رأس آنان اهل بیت علیهم‌السلام قرار داشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۱ / ۲۴۵)

۷. آلوسی مدعی شد که با وجود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در میان امت، رجوع به اهل بیت علیهم‌السلام بی‌فایده است. پاسخ این است که، مرجعیت اهل بیت علیهم‌السلام مربوط به زمانی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رحلت نموده است. لذا اهل بیت علیهم‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرجع علمی امت هستند.

۸. آیه دارای مصادیق مختلف است؛ زیرا اهل ذکر مفهوم وسیعی دارد که شامل همه دانشمندان و آگاهان می‌شود. اگر برخی روایات، اهل ذکر را منحصر در اهل بیت علیهم‌السلام نموده، در واقع حصر مطلق نیست بلکه حصر اضافی است. در این صورت است که عمومیت و جاودانگی، آیه کریمه نیز باقی می‌ماند.

### نتیجه

اهل بیت علیهم‌السلام راسخان در علم هستند و به ظاهر و باطن قرآن آگاهند. از این رو مردم جهت شناخت احکام الهی و آیات نورانی قرآن باید به اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه کنند. اهل بیت علیهم‌السلام مرجع علمی مسلمانان پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند.

آیه ۴۳ سوره نحل به مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام تصریح کرده است. خدای متعال در این آیه دستور می‌دهد که اگر چیزی را نمی‌دانید از «اهل ذکر» بپرسید. «اهل» هم به معنای انس همراه با

تعلق خاطر و دلبستگی و وابستگی است. این معنا از جهت وسعت داشتن و محدود بودن، دارای مراتب است. زن، فرزندان، نوه‌ها، دامادها، همگی اهل محسوب می‌شوند. هر چه شدت این تعلق بیشتر گردد، عنوان اهل بودن قوی‌تر می‌شود. ذکر به معنای اطلاعات و دانش‌هایی است که صاحب آن نسبت به آن حضور ذهن دارد و از وجود آن غافل نیست.

بنابراین «اهل‌الذکر» یعنی افرادی عالم و آگاه که به وسیله عامل «ذکر» یعنی «علم» گردهم جمع شده‌اند. ذکر وجه مشترک و عامل پیوستگی آنهاست. شأن نزول آیه درباره مراجعہ مشرکان به اهل خبره در یک سؤال و جواب مشخص است؛ یعنی قاعده کلی همان رجوع جاهل به عالم است اما مورد مخصص نیست و آیه عام است و برای همیشه جریان دارد. لذا پس از آن و برای همیشه منظور از «اهل‌ذکر» طبق روایات، اهل بیت علیهم‌السلام هستند. افزون بر روایات، مفهوم‌شناسی ذکر نیز یکی از معانی ذکر را عالمان و دانشمندان بیان کرد که قطعاً اهل بیت علیهم‌السلام مصداق اکمل عالمان و آگاهان به حقیقت قرآن هستند. از این رو با وجود اهل بیت علیهم‌السلام در میان مردم، قطعاً مراجعہ به اهل بیت علیهم‌السلام در همه معارف دینی دستور صریح قرآن کریم است. بر این پایه روایات بیان نمودند که اهل ذکر منحصر در اهل بیت علیهم‌السلام است. البته نوع انحصار مطلق نیست، بلکه اضافی است. در نتیجه مفسران شیعه مصداق اکمل «اهل‌ذکر» را، اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند. بنابراین اهل بیت علیهم‌السلام مرجع علمی مسلمانان پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،

چ ۱۷.

- آلوسی، سید محمود، بی‌تا، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- ابن الجوزی، ابوالفرج، بی‌تا، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربیة.

- ابن عطیة، عبدالحق، بی‌تا، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، تصحیح محمد عبدالسلام عبدالشافی، دار الکتب العلمیة.

- ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ ق، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، بی‌تا، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر.
- بیضاوی، عبدالله، بی تا، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعالبی، عبدالرحمن، بی تا، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- حرّعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر / مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۸، *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زحیلی، وهبة بن مصطفی، ۱۴۱۱ق، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بیروت، دار الفکر المعاصر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شریف لاهیجی، محمد، بی تا، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.
- شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، *الشافی فی الامة*، تهران، مؤسسه الصادق.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ق، *التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم*، قم، دفتر مولف.
- طباطبایی، سید محمدحسین، بی تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، تهران، اسوه.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.

- قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کاشانی، فتح‌الله، بی‌تا، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، تفسیر التکاشف، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ق، علی، اسباب نزول القرآن الکریم، تحقیق کمال زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه.